

از: دکتر ناصر وزیري

رفاه اجتماعی

از روزیکه کسی در این سرزمین بدنيا میآید تا روزیکه چشم بیهم می‌نهد زندگی او در تمام مراحل باید تأمین باشد، چه زندگی کودکی او چه موقع جوانی و تحصیل و چه موقع کار، چه موقع کهولت و بازنشستگی.....

از سخنان شاهنشاه آریامهر:

اقتصاد شکوفان، گسترش صنایع، افزایش درآمدها، وضع مالی درخشان، قدرت خرید زیاد و سرمایه نقدی قابل توجه افراد عواملی هستند که در زمان حاضر اسکان بهتر زیستن و در رفاه و آسایش کامل بسر بردن را برای بسیاری از طبقات فراهم ساخته است. تمایل به تهیه پوشاک و خوراک و محل سکونت بهتر در طبقات زیادی از اجتماع بوجود آمده است این روش بنا باصل « عرضه و تقاضا» موجبات افزایش هزینه زندگی و بالا رفتن قیمت‌ها را فراهم میسازد. در این وضع ضرورت سلامت و بقای نظم اجتماع ایجاب میکند که همه طبقات مخصوصاً گروهی که در طبقات پائین اجتماع قرار گرفته و یا تحمل حداقل هزینه زندگی از درآمد کمتری بهره‌مند بوده، تأمین دانسته باشند و توزیع عادلانه درآمدها فراهم گردد حصول باین نتیجه مستلزم برقراری و گسترش سیستم تأمین اجتماعی و تعمیم آنست بقسمی که از طرفی افراد زیادتری از اجتماع را دربرگیرد و از طرف دیگر موارد بیشتری را شامل بشود و این درست همان است که رهبر خردمند کشور بطور خلاصه در بیانات فوق اظهار نموده‌اند.

وزارت کار و امور اجتماعی که مفاد دستورات و نظرات شاهنشاه آریامهر را

خط مشی خود قرار داده و در این راه بذل مجاهدت میکنند در توجیه علل وجودی شورای عالی امور اجتماعی که برای تأمین منظور فوق بوجود آمده است. مطالب قابل توجهی انتشار داده است که بهتر میدانند عین آنرا بشرح زیر بنظر خوانندگان برساند :

علل وجودی شورای عالی امور اجتماعی

هرچه بیشتر در طریق توسعه اقتصادی پیش میرویم ضرورت توأم ساختن تحول اقتصادی با پیشرفت اجتماعی محسوستر میگردد. کشور شاعنشاهی ایران در سایه توجهات اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در طول یک نسل اخیر در جهت تحولات اقتصادی رومی را پیموده که کشورهای پیشرفته اروپائی در طول چند قرن طی کرده‌اند. بدیهی است در طول سنوات اخیر مؤسسات دولتی، خصوصی و یاعام المنفعه از طریق قانونگزاری و یا باقتضای حس نیکوکاری افراد بوجود آمده و در قلمرو سیاست اجتماعی و یا تدارک و تأمین خدمات رفاهی اهتمام ورزیده‌اند.

هدف اقدامات اجتماعی در هر جامعه‌ای حمایت از انسانها برای دسترسی آنان بزندگی بهتر و کمک بانان در مبارزه‌شان با مشکلات زندگی اجتماعی است. بالتلیجه هرگونه برنامه‌ی در قلمرو اجتماعی حمایت گروهها را در برمیگیرد.

۱- خانواده که اولین و کوچکترین واحد سازنده جامعه است از جهات مختلف و باقتضای عوامل مختلف هر جامعه‌ای هدف بررسی سیاست اجتماعی است. سیاست جمعیت، رشد آن، اشتغال، آموزش و پرورش، بهداشت و خدمات درمانی و تفریحات سالم در سطح شهر و روستا همه در زمره مسائلی هستند که کم و بیش در گذشته و حال نیز مورد توجه سازمانهای مسئول مملکتی بوده است. هماهنگ ساختن کوشش این سازمانها روز بروز بیشتر ضروری میگردد.

۲- حمایت از کودکان و رشد فکری آنان هدف درخشانی است که بایستی در برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی سهم موثری را بخود اختصاص دهد. اگر بتوانیم کودکانی بارشد فکری بیشتر پرورش دهیم بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل کرده‌ایم. توسعه بهداشت کودکان مورد توجه دقیقی است و حتی برای مراقبتهای قبل از تولد و بعبارت دیگر بهداشت مادر اهمیت فراوان قابل هستیم

تأمین سلامتی کودک یعنی تأمین سلامتی یک عامل انسانی تولید. جهت بخشی به برنامه‌های رفاه کودکان در بخش دولتی یا خصوصی از هدفهای است که ضرورت آن کاملاً محسوس شده است.

۴- حمایت از کارگر در قبال حادثه کار اولین قدم در راه حفظ نیروی انسانی شاغل بود ولی باین حد اکتفا نشد بلکه بیمه‌های درمانی، بازنشستگی از کارافتادگی و غیره نیز بوجود آمد. امروز بیمه‌های اجتماعی نمیتواند به سطح کارگاهی صنعتی یا محدوده شهر محدود شود. تمایل به پوشش سایر طبقات در شهر و ده وسیله بیمه‌های اجتماعی رویتوسعه است. ایجاد مرکزی برای مسائل ناشی از تعمیم بیمه‌های اجتماعی مورد توجه واقع شده است.

۵- امروز حمایت از معلولین بشکل نگهداری آنان در مراکز بنام نوانخانه ارزش اجتماعی خود را از دست داده است. بتدریج مؤسساتی در جهت تعلیم معلولین و تبدیل آنان با افرادی فعال بوجود آمده است. هدف مشابهی برای پیشگیری از محرومیت‌های معلولین اجتماعی و با تأمین رفاه معلولین روانی از مرحله فکر بفعن گرائیده است. استقرار هم‌آهنگی در برنامه و عمل مؤسسات ذیربط در کارآئی مؤسسات مزبور نقشی مؤثر ایفا مینماید.

۶- در باره افراد سالخورده نیز یک رشته مسائل وجود دارد که بتدریج بایستی مورد بررسی قرار گیرد و تأسیساتی سازمان یافته برای ایجاد و توسعه خدمات رفاهی آنان بوجود آید. با فرض یک سیاست اشتغال کامل مسئله اشتغال افراد بازنشسته که دارای قدرت کار هستند بهمان اندازه قابل مطالعه است که توان بخشی افراد معلول و یا کارگران از کار افتاده، زیرا که حاصل برنامه‌ریزی اجتماعی در این موارد عده‌ای مستمری بگیر را تبدیل با افرادی فعال و شاغل و مزد بگیر مینماید. بعلاوه برای افراد سالخورده ای که قادر بکار نیستند مشکلاتی از قبیل ایجاد مراکز برای زندگی گروهی، خانوادگی یا انفرادی آنان در داخل اجتماع یادور از کانون خانوادگی و بالاخره درآمد و اسور درمانی آنان مطرح است که بایستی هدف بررسی و ارائه طرحهایی قرار گیرد.

۷- روستائیان که طبقات کثیرالعدده مصرف کننده را تشکیل میدهند و غرامت توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه شهری را تحمل میکنند خود نیز بایستی در شرایطی قرار گیرند که از موهبت‌های ناشی از سرمایه‌گذاری اجتماعی بهره‌مند

گردند. بدین اقتضا رفاه آنان نیز در سیاست رفاه اجتماعی محلی را اشغال کرده است.

۷- جوانان و مسائل آنان در رأس برنامه روز قرار گرفته است، تعلیم و تربیت آنان در ارتباط با مسائل اشتغال، تأمین حق اشتغال، تحکیم و وظیفه کارکردن، تدارک سرگرمی‌ها و یشان و بطور کلی شرکت دادن شخصیت و نقش آنان در ترکیب جامعه کنونی از اهم مسائل باید باشد. بدین اقتضا ایجاد مرکزیت در بررسیها و ارائه طرحهایی در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است.

۸- باید اضافه نمود که جامعه کنونی ما برای کامیابی در هرگونه برنامه در قلمرو سیاست اجتماعی نیز بایستی بمنابع نیروی انسانی توجه کانی معطوف دارد. لذا منابع انسانی مورد لزوم برای اجرای خدمات اجتماعی بایست تدارک شود و این مهم از طریق آموزش اجتماعی و تربیت کادرفنی از جمله تربیت مربی، مددکار، دهیار و امثال آن برآورده میگردد بدینجهت بررسی و ارائه طرحهایی جهت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در جهت آموزش اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۹- موضوع مهم دیگر در قلمرو برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری اجتماعی، بررسی نیازمندیها است. این نیازمندیها تابع متغیری از عوامل مختلفه از قبیل سطح توسعه اقتصادی، عادات اجتماعی و سطح آگاهی طبقات جامعه میباشند. نیازمندیها حتی در داخل کشوری واحد برحسب ازمنه مناطق یا بخشهای اقتصاد متغیر است. بدین اقتضا برنامه‌ریزی در زمینه تحقیقات اجتماعی برای تشخیص نیازمندیها و ارائه اولویتها ضروری بنظر میرسد. تحقیقات اجتماعی دامنه فعالیت خود را تا شناخت معیارهای علمی در سطح بین‌المللی و انتخاب معیارهای علمی متناسب با سطح ملی گسترش میدهد.

بطور کلی به نسبتی که توسعه اقتصادی با توسعه اجتماعی متوازن شود ضرورت تمیز هدفهای کلی و عم‌آهنک نمودن عملیات اجرایی بیشتر متجلی میشود بهنگام برنامه‌ریزی برای دوره پنجساله ۱۳۴۷-۵۱ تصمیم دولت شاهنشاهی در اجرای منویات منوکانه براین شد که برای اولین بار بخشی از برنامه عمرانی اختصاص بر رفاه اجتماعی داده شود و بتدریج کلیه فعالیتهای رفاهی از جنبه خیریه و محدود فعلی و از صورت چاره‌جویی موقت دردهای اجتماعی

خارج گردد و تحت نظام برنامه‌ای و نظارت دولت بصورت یک ونلیفه عمومی و بشکلی سازمان یافته و منطبق بر معیار علمی درآید .

با ترسیم چنان هدفهای کلی به برنامه ریزی اجتماعی مبادرت شد و بادر نظر گرفتن مقدمات از حیث منابع مالی و انسانی اولویت به برنامه‌های زیر داده شده :

بیمه‌های اجتماعی ، رفاه خانواده و کودک، رفاه جوانان، ورزش و تفریحات سالم، راه روستائیان، رفاه کارگران، رفاه گروههای خاص (معلولان جسمی و معلولان روانی و معلولان اجتماعی)؛ آموزش و تحقیقات در رفاه اجتماعی .

ازطرفی دیگر چون هر یک از فعالیت‌های فوق بعلت جدید بودن پاره‌ای از آنها و محدودیت منابع مالی و انسانی از نظر اجرا میبایستی در کنار فعالیت اصلی خرد بوجود آمده و رشد نماید. بعنوان مثال برنامه رفاه کارگران. بیمه‌های اجتماعی کارگران و توانبخشی معلولین جسمی در ارتباط با فعالیت‌های وزارت کار و امور اجتماعی و برنامه رفاه روستائیان و بیمه‌های اجتماعی روستائیان در ارتباط با فعالیت‌های وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی اجرا میگردد. لذا اقتضاء داشت که برای جلوگیری از تداخل وظائف و یا دوباره کاری و جیت نیل به حداکثر استفاده از منابع مالی و انسانی چاره‌ای از نظر هم‌آهنگی در سطح اجرا اندیشیده شود.

میتوان گفت که یکی دیگر از ره آورده‌های انقلاب شاه و مردم سازمانی بود که باراده اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر بنام شورایعالی امور اجتماعی بریاست عالییه علیا حضرت شهبانوی ایران و عضویت نمایندگان سازمان برنامه و دستگاههای اجرائی دولتی عام‌المنفعه و خصوصی که مباشرت بایفای خدمات رفاهی دارند بوجود آمد .

شورایعالی امور اجتماعی هم‌آهنگ کردن خدمات رفاهی، تعیین و تفکیک وظایف سازمانهای اجتماعی ، بررسی و اظهار نظر در مورد لوایح و آئین‌نامه‌های مربوط به رفاه اجتماعی و بالا بردن معیارهای خدمات رفاهی را بعهده دارد.